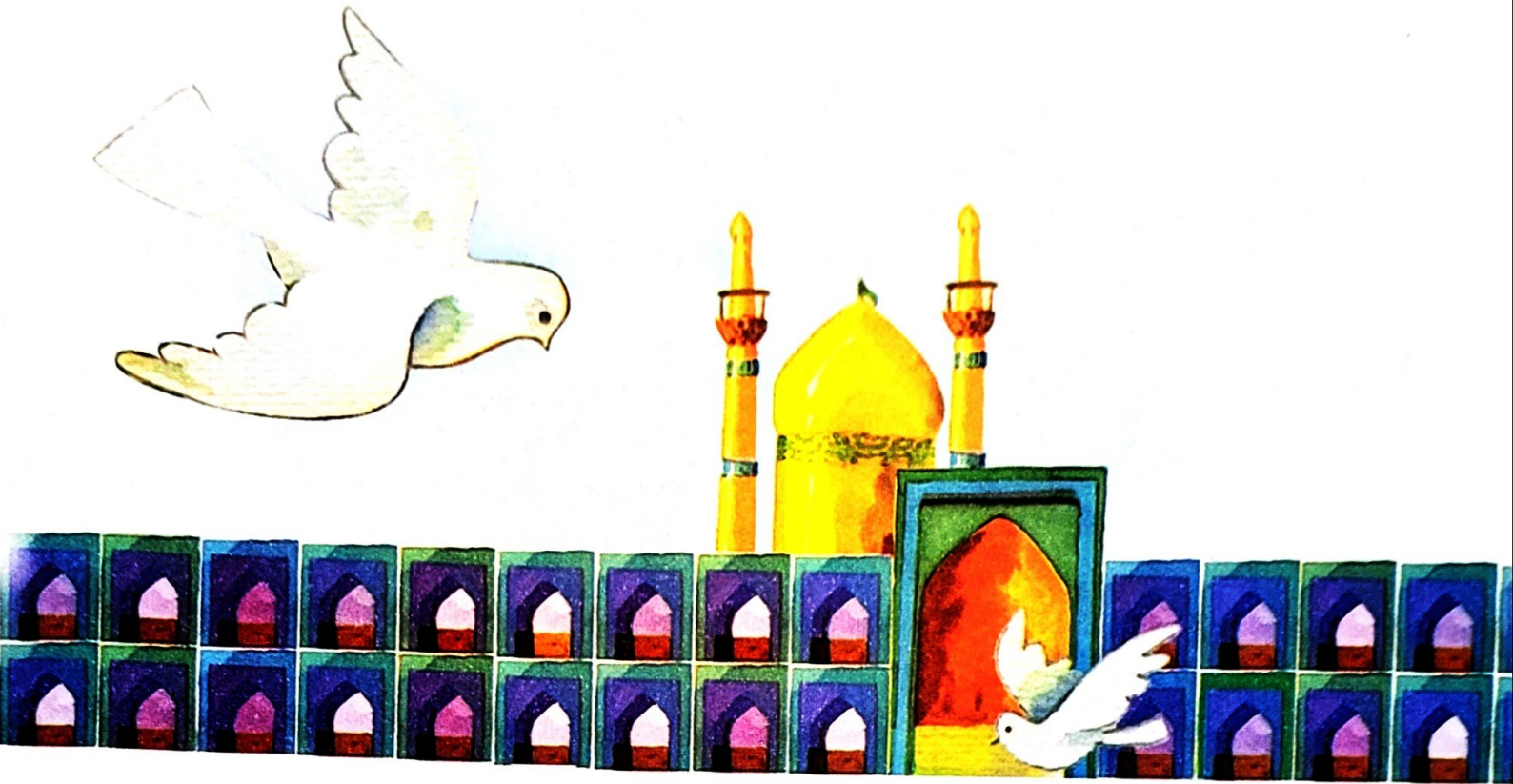




زیارت



زینب داخل حرم ایستاده بود. چلچراغ های بزرگ، همه جا را نور باران کرده بودند. بوی گلاب

می آمد. همه دعا می خواندند.

زینب هم داشت زیر لب دعا می کرد که مادرش با مهربانی دست بر شانه اش گذاشت و گفت: «قبول باشد! بیا برویم و کبوتر های حرم را تاشا کنیم.» آن وقت دست او را گرفت و آن دو با هم از میان جمعیت بیرون رفتند.

زینب ده ها کبوتر را دید که گوشه ای جمع شده بودند و دانه برمی چیدند. او از زیر چادرش، مقداری گندم بیرون آورد و گفت: «مادر دوست دارم هر وقت به مشهد می آیم، به کبوتر های امام رضا (ع) دانه بدهم. این گندم ها را مادر بزرگ برایم خریده است.» بعد دانه ها را به آرامی بر زمین پاشید.



کبوترها دسته دسته به زینب نزدیک شدند. زینب می خواست از خوش حالی بال در بیاورد.
چیزی نگذشت که صدای اذان از گل دسته ها بلند شد.
مادر گفت: «زینب جان، اذان مغرب را گفتند. بهتر است به وضو خانه برویم، وضو بگیریم
و نمازمان را اول وقت بخوانیم.»
زینب نماز خواندن در حرم امام رضا (ع) را هرگز فراموش نمی کند.



درست، نادرست

۱. زینب بیرون حرم ایستاده بود. ✗
۲. زینب ده‌ها کبوتر را دید که گوشه‌ای جمع شده بودند. ✓
۳. صدای اذان صبح از گل‌دسته‌ها بلند شد. ✗
۴. چلیچراغ‌هایی بزرگ و زیاده‌جا را نور باران کرده بودند. ✓



گوش کن و بگو

دانه بدهد.

۱. چرا زینب با خودش دانه آورده بود؟ چون دوست داشت به کبوترهای حرم امام رضا (ع) دانه بدهد.
۲. زینب و مادرش پس از شنیدن صدای اذان چه کردند؟ به وضو خانه رفتند تا وضو بگیرند.
۳. آن‌ها چه موقع در حرم بودند؟ نزدیک نماز مغرب بود.
۴. صدای اذان از کجا بلند شد؟ از گل‌دسته‌ها بلند شد.

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

داخل: ...وارد.....

برمی‌چیدند: برمی‌داشتند

مقداری: اندکی.....

گلدسته: مناره.....

چلچراغ: لوسترهای بزرگ

جمعیت: عده‌ای از مردم

پاشید: ریختن.....

زیر لب: آهسته...حرف زدن

اذان: اعلام وقت نماز

حرم: جای امن دور مزار امامان

میان: وسط.....

تماشا کرد: نگاه کرد.

کلمات مخالف

پاشید ≠ نپاشید.....

مرتب ≠ نامرتب..

آرام ≠ شلوغ.....

نزدیک ≠ دور.....

پرکار ≠ کم..کار.....

گل‌های شاداب ≠ گل‌های پژمرده

زیر ≠ رو.....

اول ≠ آخر.....

داخل ≠ خارج.....

بلند ≠ کوتاه.....

زیبایی ≠ زشتی.....